

## نامه به پرزیدنت بوش

جناب آقای پرزیدنت جرج دبلیو بوش

با ادب و احترام، صراحت شجاعانه جنابعالی در سخنرانی 29 ژانویه 2002 کنگره آمریکا، در حقیقت انقلابی در روش سیاسی کشورتان بود که نیاز مبرم مبارزه جدی با آن، بشدت و بیشتر پس از حادثه شوم 11 سپتامبر و برای تروریسم حس میشود. «درهم شکستن سیاست چشم پوشی» (مسئول تقویت تروریسم تا این مرحله یعنی روال حزب دمکرات آمریکا) و «برقراری سیاست چشم باز سیاست صراحت توأم با صداقت، سیاست قوی و شرافتمندانه با هر دولت، هر گروه و هر کس که سابقه و میل ادامه به اعمال تروریستی دارد» (برگرفته از نامه شماره 2 اینجانب به سرکار، ارسال شده با پست سفارشی 06171078788 مورخ 11 اکتبر 2001، انعکاس یافته در صفحه اینترنت به آدرس [www.dayani.de](http://www.dayani.de)).

این عمل انقلابی جنابعالی خوشبختانه عکس العمل هائی را بدنبال داشت که از نظر حافظه ملی ایرانیان بدون تردید نه تنها سرآغازی در جهت نجات از سیه روزی کنونی خواهد بود، بلکه پاسخ دهنده یه سئوالهای، 24 ساله و 5 ماهه اخیر ایرانیان نیز میباشد، که مختصراً بدان می پردازم.

**الف -** واقعیات تلخ 200 سال گذشته ایران همواره چگونگی ارتباط آخوندان معروف را با انگلستان، در حافظه ملی ایرانیان مطرح نموده است. سخنرانی غیرمتعارف جنابعالی، این اجبار تاریخی را نیز برای دولت انگلیس بوجود آورد تا با موضع گیری آقای جک استراو - پیرو سفر ایشان به ایران در سپتامبر 2001 و راهنمائی های لازم به آخوند جانی خاتمی و تلفن خصوصی آقای تونی بلر در تاریخ 12 ژانویه 2002، روش شناخته شده انگلستان «فریب پنهان» به سیاست «شیادی آشکار» تعویض گردد! با این تفاوت که اگر آن سیاست «فریب پنهان» در مدت 200 سال گذشته در سویی نگهداری ایرانیان در بدبختی و عقب ماندگی بوده است، این «شیادی آشکار» در جهت ایجاد بدبختی جهانی و بر ضد مبارزه جدی که شما برای نجات جهان از شر تروریسم شروع نموده اید میباشد. زیرا تراشیدن «گروهی که منتخب ایرانیان هستند»، بزرگترین دروغ ممکن و آشکارا، حمایت از مرکز تروریسم بین المللی مستقر در ایران، میباشد.

حکومت انگلستان و اعضای اتحادیه اروپا، بهتر از هر کس میدانند که انتخابات بمفهوم شناخته شده آن در غرب، در ایران وجود خارجی ندارد و صحنه نمایشی

بیش نبوده و نیست و آنچه در این مدت 5 سال گذشته زیر عنوان «اصلاح طلبی» بوجود آمده، برای فریب جوامع بین المللی و در جهت چاپیدن و غارت ثروت ملی ایرانیان است. شخص خاتمی و افراد نزدیکش از سایر آخوندهای موسوم به «اقتدارگرا» جانی تر هستند! منتهی، با ماسک «گفتگوی تمدنها»! همین امروز اعلامیه تندي علیه گفتار سرکار توسط آن گروه «ذهنی» آقای جک استروا، اکثریت مثلاً «اصلاح طلب»! مجلس ششم، تهیه و برای اولین بار در تاریخ این مجلس شیادی، گروه اقلیت «اقتدارگرا» به آنها پیوستند

رئیس این مجلس (منتخب آقای جک استروا) کروی بمانند خاتمی، رفسنجانی، خامنه ای کاملاً یکسان، بزرگترین توهین های گزاف گویانه را نسبت به سخنرانی شما، ابراز نمودند. آیا آقای جک استروا و در نتیجه اعضای اتحادیه اروپا، دارای آن وجدان ضروری جهت پس گرفتن نظر مغرضانه ایشان علیه ها، علیه روش صحیح جهت جنگ با تروریسم و علیه منافع ملی و واقعیت ایرانیان هستند؟

**ب -** موضعگیری خانم مادلن البرایت و «اشتباه» نامیدن فکر کلاً صحیح جنابعالی، دو حسن بسیار ارجمند دارد: اول آنکه جهت نجات جامعه بشری از مصیبت تروریسم، باید «اشتباه» کار واقعی و مسئول تروریسم پرورش یافته تا به این حد مشخص و پاسخ به این سئوالها داده شود

1- آیا آقای بیل کلینتون نبوده اند که بدون توجه به واقعیات در جریان و آشکار تروریسم بین المللی، بویژه از سوی ایران، لایحه جلوگیری از معامله کشورها با ایران در باره اسلحه را «وتو» کردند؟ که اینک شما وارث این حرکت حیرت آور گشته اید؟

2- آیا خانم البرایت نبودند که جهت ضربه زدن به حزب جمهوریخواه و راهیابی به دل آخوندان جانی، از بیان دروغ در باره حقایق و ارتباط آمریکا با ایران حتی بقیمت لکه دار نمودن حیثیت ملت آمریکا، خودداری ننمودند و در نتیجه توهین بیشتر و مرگ بر آمریکا، شدیدتر و تحقیر ملت تاریخ ساز آمریکا را سبب شده اند؟

3- آیا این آقای کلینتون و خانم البرایت با دستهای بزیر چانه، محو لاطائلات بدون عمل آخوند جانی خاتمی، یکی از بزرگترین مشوقین ها «در سازمان ملل المللی، با ماسک «گفتگوی تمدن تروریسم بین متحد نبودند؟

4- آیا خانم البرایت نبودند که در آخرین سفر سیاسی شان، ملتسمانه دستهای آقای کیم یونگ ایل، رئیس جمهوری کره شمالی را در دستهای خود، غیرعادی، صمیمانه میفشردند و با ایشان در مراسم رقص و پایکوبی شرکت کرده بودند؟ همه این اعمال، اشتباه، غرض ورزی و دشمنی با دموکراتها نبوده است؟ حسن دوم: آنکه در مدت 24 سال گذشته ایرانیان اسیر شده، برخی خواست انگلیس و گروهی حزب دموکرات آمریکا را مسئول میدانستند. اظهار نظرهای اخیر، پاسخ قطعی این سؤال 24 ساله را ارائه نمود: هارمونی و همدلی این دو، فاجعه ایران را تولید کرد.

**ج -** این سخنرانی انقلابی جنابعالی، دقیقاً 3 روز پس از ملاقات سفر حیرتآور آقای کوفی عنان (صاحب جایزه صلح نوبل؟) دقیقاً در لحظاتی که معلم، یعنی جامعه خردمند ولی گرسنه و از جان گذشته ایران در مقابل آنس اختمان، معنی واقعی تمدن را زیر چنگال مأمورین رژیم به اصطلاح متمدن خاتمی جانی «همان منتخب مردم» از نظر آقای جک استروا لمس می نمودند! صورت گرفت. آقای کوفی عنان با انکار ادعای وزیر دفاع آمریکا، آقای رامسفلد، در باره فتنه گریهای ایران با القاعده در افغانستان و قدردانی!! از سیاست های جمهوری اسلامی در افغانستان، در حقیقت مجوز دو کنفرانس همایش توسعه همکاریهای رژیم اسلامی - عربی 28 ژانویه و همایش رسانه های جهان اسلام 29 ژانویه با اهداف آشکار حمایت از ادامه انتفاضه و در حقیقت، جنگ با اسرائیل و ادامه آشوب در منطقه را صادر کردند! بدین ترتیب به دو سؤال عمده 5 ماه اخیر ایرانیان نیز پاسخ داده شد: اول آنکه چرا ایران همواره خواستار پیگیری جنگ با تروریسم توسط سازمان ملل با احوالات رئیس کنونیاش، بود! دوم آنکه، چگونه بلافاصله پس از فاجعه 11 سپتامبر فقط 2 هفته پس از 23 سال، شعار مرگ بر آمریکا و اسرائیل کاملاً قطع و بلافاصله پس از سفر و تعظیم آقای جک استروا به خاتمی، بشدت هرچه بیشتر شروع و البته هیچگاه، شعار مرگ بر انگلیس شنیده نمی شود! و اخیراً هر هفته حداقل یک کنفرانس یا سمینار با میزبانی و سخنرانی خاتمی جانی، «گروه منتخب آقای استروا» در تهران برگزار میشود! زیرا مردم ایران ادامه ائتلاف کنفرانس «گوادالوپ» را بر علیه منافع ملی ایرانیان، اینک عیناً به شکل ائتلاف غیرقابل پوشش، بین اعضای برجسته حزب دموکرات آمریکا، انگلستان، کشورهای عضو اتحادیه اروپا، روسیه و عضو جدید، آقای کوفی عنان! جهت ادامه سیاست چشم پوشی بر علیه واقعیات و حفظ مرکز المللی یعنی رژیم ایران، علیه منافع ملی ایرانیان و علیه امنیت تروریسم بین

جامعه بشري، بشدت بيشتري از گذشته و بدون هيچگونه رودربايستي، مشاهده مينمايند.

جناب آقاي پريزيدنت جرج دبليو بوش

مشاهده اين اعمال بهت آور، دو رهنمود براي ايرانيان و يك ارمغان براي جنابعالي ارائه ميدهد:

1- حافظه ملي ايرانيان بكلي از آلودگي بوجود آورده شده، پاك ميشود و مي فهمند كه چگونه ملتي مرفه، با امنيت و رو به پيشرفت، توسط بشر» همين استراتژي و ارونه جلوه دادن حقايق تحت عنوان «حقوق به خودكشي دسته جمعي، يعني فاجعه انقلاب اسلامي كشانيده شدند، پادشاه بمانند پدر خدمتگزارشان «ديكتاتور» و خميني مخرب كشورشان و خالق واقعي فاجعه 11 سپتامبر، «مرد خدا» ناميده شدند و اينك كه اين ملت در قعر فقر و عدم امنيت و عقب ماندگي بسر ميبرند و تنها راهشان انقلاب است، همان ناديان حقوق بشر منتخب خودشان، خاتمي جاني را بعنوان «اصلاح طلبي» منتخب ايرانيان معرفي مينمايند

2- مردم ايران مي بينند، دقيقاً همين اتحاد بر عليه حقايق، بويژه در اروپا، شامل حال دولت فعلي و ملت اسرئيل مي باشد و لذا با توجه به سابقه دوستي تاريخي 2500 ساله بين ملتهاي ايران و اسرئيل، اينك بار دگر سرنوشت آنها در هم ادغام شده است

و ارمغان ارائه شده به جنابعالي: برقراري امنيت دنيا منحصرأ در گرو انقلاب سياسي شما به تنهائي، قرار گرفته است! زيرا اعمال اشتباه توسط اين افراد غيرمسئول در مقابل چشمان تروريستها صورت ميگيرد و آنها فقط پول لازم دارند، و پول، نه در عراق و نه كره شمالي، بلكه در ايران است. همان كشوري كه پادشاه بشر دوستش، اعليحضرت فقيد محمد رضا شاه پهلوي گفتند: **امنيت دنيا، به امنيت ايران مربوط ميشود**

با آرزوي پيروزي براي شما و با ايمان به پيروزي ملت ايران

نزهت يحيي زاده